

سهلترین راه اجرای*

تعلیمات ابتدایی عمومی اجباری چیست؟

سعید نفیسی

در اینکه باید حتماً تعلیمات ابتدایی را در دیار ما اجباری کرد هیچ‌گونه سخن نیست و پیر و برنا در این کار همداستانند. منتهی بعضی تدبیرها باید کرد که نتیجه بد از این کار نگیریم. عجله نتیجه بدی که از همین مدارس ابتدایی ناقص موجود می‌گیریم این است که هرکس به مدرسه ابتدایی می‌رود بر خود حتم می‌کند که بعد از آن به مدرسه متوسطه برود و احیاناً مدارس عالی را هم به وجود خود بیاراید. نتیجه این می‌شود که شاید در بیست سال دیگر شهرهای ایران برای نجاری یا بنایی و یا پیشه‌های دیگر ناچار شوند که از دیار بیگانه یاری بخواهند و برای هریک از مشاغل آزاد مانند طب و وکالت عدلیه یا اعمال دولتی هزاران مدعی در پی یکدیگر ایستاده باشند و زندگی بر یکدیگر تنگ کنند. چنانکه مقدمات صدق این پیش‌بینی از همین روزها دیده می‌شود. باید مطلقاً و بدون هیچ شک و تردید مدارس متوسطه را غیرمجانمی کرد تا فرزندان پیشه‌وران دنبال کار پدران خود بروند و البته باید هر شاگرد نجار یا شاگرد خیاطی هم خواندن و نوشتن را بداند. منتهی برای اینکه اگر در میان فرزندان این طبقه

*. مجله مهر، شماره ۵، سال اول، مهرماه ۱۳۱۲، صص ۳۲۱ تا ۳۲۷.

استعدادهای طبیعی و هوشهای سرشاری است به هدر نرود و به نفع مملکت باشد باید در هر مدرسه متوسطه و عالی در هر جا که هست دولت لااقل ده محل مجانی با تمام مخارج خوراک و پوشاک و کتاب و غیره داشته باشد و آن را به کسی بدهند که در چهار سال آخر مدرسه ابتدایی همواره چه در درسهای روزانه و چه در امتحانهای مدت سال و آخر سال نمره‌های بیش از متوسطه گرفته باشد. برای اینکار کافی است که ده اعتبار بیست تومانی در هر مدرسه متوسطه و عالی باشد و اگر کسی که بدین نهج پذیرفته شد در یکی از امتحانها از نمره متوسط کمتر داشته باشد فوراً او را بیرون کنند. برای این کار در بعضی ممالک اروپا تدابیری کرده‌اند. از جمله آن است که بعضی مدارس متوسطه و عالی ماهیانه تمام سال را یک‌جا از پیش می‌گیرند تا اگر کسی توانایی پرداخت آن را نداشته باشد معلوم باشد و حتی در موقع امتحان شش‌ساله ابتدایی گذشته از تصدیق‌نامه شش‌ساله ورقه استعداد ذاتی و فکری به شاگرد می‌دهند که مدیر مدرسه متوسطه بداند معلمین سابق تشخیص داده‌اند که این شاگرد درخور پذیرفته شدن در مدرسه متوسطه هست یا نه.

نکته دیگری که بر مدارس ابتدایی کنونی وارد است این است که این عده مدارس مخصوصاً مدارس دخترانه برای همین مختصر اقبالی که مردم به آنها می‌کنند کافی نیست و همه می‌دانیم که هر سال جمعی بسیار برای پذیرفته شدن در مدرسه ابتدایی سرگردانند و قطعاً باید یک‌ثلث دیگر بر این مدارس چه در طهران و چه در نقاط دیگر افزود. بودجه وزارت معارف برای افزایش این‌ثلث کافی است و محتاج به هیچ اعتبار تازه‌ای نیست، منتهی باید بعضی مدارس تفننی زاید و بعضی از ادارات معارف را در طهران و ولایات حذف کنند و اعتبار و

اشخاص آنها را برای افتتاح مدارس ابتدایی دیگر به کار زنند. برای نمونه همین قدر اشاره می‌کنم که در یکی از مدارس عالی طهران وقتی دو شاگرد بیشتر در یک کلاس نبود و چون حساب کردم دیدم روزی ۳۰۰ تومان خرج همان کلاس می‌شود، در نتیجه دولت ایران برای هریک از این دو شاگرد روزی ۱۵۰ تومان خرج می‌کند، در آتیه باید از این گشادبازی‌ها دست برداشت، مثلاً از مدرسه صنعتی طهران در این مدت چند سال که از افتتاح آن می‌گذرد نتیجه‌ای که صدیک مخارج آن را ارزش داشته باشد گرفته نشده است. در حال حاضر با این حاجت‌های روزانه در معارف ایران تفنن نباید کرد و نخست باید از پایه و اساس به مدارس ابتدایی پرداخت، اگر باز استطاعت ماند به مدارس متوسطه و اگر باز توانایی بود به مدارس عالی و اگر چیزی ماند صرف ادارات تفننی در مرکز و ولایات کرد.

نکته دیگری که در اصلاح تعلیمات ابتدایی باید مراعات کرد مرکزیت دادن کار در مدارس و سلب مداخله از ادارات و وزارتخانه است. مطلقاً دوایر وزارتخانه در رد و قبول شاگرد و مسائل فنی مدرسه از قبیل امتحان و تهیه دستور تعلیمات و غیره نباید دست داشته باشند، این کارهای فنی اختصاصی را باید به عهده معلم و کسانی که هر روز دست‌اندر کارند گذاشت. شورای معارف باید فقط از معلمین مطلع و مجرب در کار خود تشکیل یابد و کسانی باید در آنجا اظهار رای کنند که در مدرسه جدید هم منظم‌اً درس خوانده و هم درس داده باشند.

در ممالکی که ما باید از آنها سرمشق بگیریم معلمین عالی‌رتبه هر شهری شورای دائمی تشکیل می‌دهند که آن را «شورای اونیورسیتیه» می‌نامند و مسائل

راجع به اسلوب تدریس و تعلیم و تربیت و دستور تعلیمات و امتحانات و غیره به اکثریت رای ایشان قطع و فصل می‌شود.

در این اواخر این فکر در بعضی پیدا شده است که مدارس ابتدایی را باید به بلدی‌ها سپرد، با حالت حاضر من با این فکر مخالفم و این کار برای شهرهایی خوب است که شماره مردم دانشمند در آن بیش از شهرهای ما باشد، در ایران هم روزی این کار ممکن می‌شود که فقط باسوادهای شهر در انتخاب اعضای انجمن بلدی‌ه شرکت کنند یا اینکه مانند بعضی ممالک تحصیل‌کردگان هر شهری انجمن مخصوصی را از کسانی که معروف به دانش در آن شهرند فقط برای اداره کردن مدارس آن شهر انتخاب کنند.

این اصلاحاتی بود که من عقیده دارم برای بهبود اوضاع مدارس کنونی باید بیدرنگ از فردا بدان آغاز کنند و تا این اصلاحات صورت نگرفته باشد از تحصیلات ابتدایی اجباری دم زدن بیهوده است و وقت خود را به هدر دادن.

اما در اساس مطلب و در اینکه چگونه باید تعلیمات ابتدایی را اجباری کرد و سهل‌ترین راه برای رسیدن به آن کدام است، در مرحله اول باید کوشید کسانی را که در این مملکت زندگی می‌کنند و یک‌ثلاث یا یک‌نیمه از عمر ایشان دور از مدرسه گذشته است باسواد کرد؛ فعلاً که مملکت ما به یاری خداوند نظام وظیفه را که نردبان تمام اصلاحات اجتماعی است به دست آورده و پایه آن استوار شده است یکی از بهترین راههای تعمیم معارف در میان جوانان این است که در سربازخانه‌ها هر شب کسانی که خواندن و نوشتن می‌دانند دو ساعت به کسانی که بی‌سوادند درس بدهند تا پس از دو سال آن جوانی که خدمت نظام خود را تمام می‌کند بهره بزرگ روحانی علاوه بر آن نصیب‌های صحی و بدنی

که برده است از مدت خدمت خود ببرد.

اما برای کودکان هفت‌ساله از دختر و پسر در مملکت ما که هر آبادی از آبادی دیگر چندین فرسنگ فاصله دارد و وسایل نقلیه سریع‌السیر و حتی هیچ وسیله ناقله نیست تأسیس مدارس ابتدایی در هر ده یا هر چند ده از محالات است و اندیشه خامی است که پیرامون آن نباید گشت، زیرا اگر در بعضی از دهات مدرسه دایر کنیم و در بعضی دایر نکنیم بهره آن بالسویه عاید تمام افراد مملکت نمی‌شود و اگر مانند ممالک اروپا در یک ده مدرسه‌ای باز کنیم که اطفال دهات مجاور هم بدان بروند تا از خانه خود راه بیفتند و به ده مجاور برسند روز گذشته است و اگر بخواهیم در هر دهی یک مدرسه تشکیل دهیم تمام بودجه‌های معارف عالم کفاف این خرج را نخواهد داد، ناچار باید آنقدر منتظر شویم که در میان تمام دهات ایران راه‌آهن در حرکت باشد و آن هم تعلیق به محال است.

تنها راهی که برای رسیدن به مقصود داریم این است که پایه تحصیلات ابتدایی اجباری را قدری پایین‌تر بگذاریم و به سه سال قناعت کنیم، یعنی عجاله^۱ به همین قانع شویم که هر زن و مرد ایرانی خواندن و نوشتن و مختصری حساب (چهار عمل اصلی) و جغرافیا و تاریخ ایران را بدانند و بس. برای این کار باید سه کتاب بسیار ساده آسان با ارزانترین قیمت ممکن (متهی ده شاهی) برای فروش حاضر داشته باشیم و حتی سالی چند هزار نسخه آن را مجاناً در دهات در میان دختران و پسران تقسیم کنیم. در هر دهی اصول مکتب‌خانه‌ای قدیم را دوباره پیش بگیریم، اگر در ده مکتب‌داری مانده است او را بگماریم و اگر نمانده است مکتب‌داری به آنجا بفرستیم و کدخدای ده ملزم باشد که پسران و

دختران ده را در هشت ماه از سال که در کارهای روستایی پدر خود دستیاری نمی‌کنند به مکتب بگذارد و در این مکتب‌ها همان اصول را که در مدرسه ابتدایی پیشنهاد کردم رعایت کنیم. یعنی در هر مدرسه ابتدایی محلی برای پذیرفتن لااقل ده شاگرد به خرج دولت باشد و هر شاگرد مکتب که در مدت سه سال استعداد درس خواندن خود را نشان داد در نزدیکترین مدرسه ابتدایی مشغول تحصیل شود، از طرف دیگر در هر آبادی که بیش از هزار نفر جمعیت دارد حتماً یک مدرسه ابتدایی دخترانه و یک مدرسه ابتدایی پسرانه داشته باشیم (ممکن است در دهات مدرسه ابتدایی برای پسران و دختران یکی باشد و هیچ مانع شرعی و عرفی برای این کار نیست، ممکن است تمام آموزگاران این مدارس از زنان باشند و خیلی ارزانتر تمام می‌شود).

در اغلب دهات هم‌چنان که سابق هم بود ممکن است کسی پیدا شود که خود مکتب را اداره کند یعنی کودکان ده را بپذیرد و از مختصر اعانه نقدی یا جنسی که پدران می‌دهند معاش خود و امور مکتب را بگرداند و اگر هم یافت نشد دولت می‌تواند با ماهی ده تومان این کار را انجام دهد، متهی این مکتب‌داران محتاج به آنند که ما کتاب به ایشان برسانیم و راهنمایی‌های لازم بکنیم. برای این کار باید عده کافی معلمین سیار داشته باشیم که منظمأً به دهات بروند و اگر مکتب‌دار چیزی را نمی‌داند به او بیاموزند.

از اوقاف ایران یک ممر عایدی بسیار مهم می‌توان برای اداره کردن این مکتب‌خانه‌ها به دست آورد. به این معنی که در هر دهی که مدرسه‌ای یا مسجدی یا بقعه‌ای هست که اوقاف دارد متولی آن وقف به موجب قانون اوقاف ملزم باشد که مخارج اداره کردن یک یا چند مکتب را در همان محل مسجد یا مدرسه

و یا بقعه به عهده گیرد.

این است آنچه در این مهم بزرگ اجتماعی ایران به نظر من باید از همین امروز بدان اقدام کرد و باز هم تأکید می‌کنم که با همین پولی که ملت ایران امروز برای معارف می‌دهد و با همین عواملی که اکنون در مملکت هست در کمال خوبی می‌توان این نقشه را اجری کرد و به هیچ‌وجه به اعانت از پول و افراد دیگر محتاج نیستیم، آنچه باید فعلاً هست ولی باید راه به‌کار انداختن آن را دانست.